

# واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در سیره امام رضا(ع)

احمد جهانگیر فیض آبادی<sup>۱</sup>، میثم فرخی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱

## چکیده

وجود مسائل فرهنگی در دوران امامت حضرت رضا(ع)، لزوم بازنگری در فرهنگ اسلامی به ویژه فرهنگ تشیع را اقتضا می‌کرد. در این راستا ایشان با روشنگری و استفاده از زمینه‌های موجود توانسته‌اند با انجام فعالیت‌های فرهنگی گسترده به حل این مسائل بپردازند و نظام فرهنگی جامعه شیعه را مدیریت کنند.

هدف این مقاله پاسخ به این پرسش است که با توجه به رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی چه مسائل فرهنگی‌ای در عصر امام رضا(ع) وجود داشته و ایشان چه اقداماتی را برای حل مسائل انجام دادند؟ با بررسی منابع، گردآوری و پردازش اطلاعات به شیوه توصیفی تحلیلی، یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مسائل فرهنگی زمان امامت ایشان شامل موضوعاتی مانند در خطر بودن رهبری شیعی، انحرافات عقیدتی در نهضت ترجمه، ظهور و بروز ادیان و فرقه‌های گوناگون، شایعات و دروغ‌پراکنی علیه اهل بیت(ع)، تحریف و جعل احادیث و فریب و نیرنگ حکومت است که ایشان با مجموعه اقداماتی مانند اعلام صریح و آشکار رهبری شیعه، تربیت شاگردان نخبه، تشکیل جلسات علمی دینی، مناظرات علمی، سفرهای تبلیغی، احیای سنت نبوی، تبیین احادیث صحیح و لعن جاعلان، لعن و تکفیر برخی از فرقه‌ها، توسعه همه‌جانبه علوم، گسترش مذهب تشیع، خنثی کردن توطئه‌های فریبکارانه حکومت، به مسائل مذکور پاسخ داده‌اند و سیاست‌گذاری فرهنگی ایشان را شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی:

سیاست، فرهنگ، سیاست‌گذاری فرهنگی، سیره امام رضا(ع)

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع) A.jahangir89@gmail.com

۲- استادیار رشته معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع) mfarokhi65@gmail.com

## مقدمه

پیشینه سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ را می‌توان به قدمت بشریت دانست. این تلاش‌ها از سوی انبیا و صالحان در قالب نوعی اهتمام در سطوح مختلف به وجه نمادین حیات اجتماعی قابل تبیین است. در واقع «در طول تاریخ، حکومت‌ها معتقد به تعریف وضعیت فرهنگی مطلوب خود در جوامع تحت سیطره‌شان و تحقق رفتارهای اجتماعی خاص متناسب با ارزش‌های سیاسی و مذهبی‌شان بوده‌اند؛ این بدین معناست که زیست جهان‌های انسانی از گذشته دارای سیاست‌گذاری فرهنگی ضمنی یا صریح برای خود بوده‌اند» (جمشیدی‌ها و زائری، ۱۳۸۷: ۵).

ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> به عنوان رهبران جامعه شیعه با وجود مخالفت حاکمان با فعالیت‌شان، بیشترین هدایت فکری و فرهنگی جامعه از آن‌ان بوده و بیشتر از هر کس دیگری، با ترسیم خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی خود در رشد و بالندگی جامعه و بازتولید فرهنگ اسلامی به ویژه فرهنگ تشیع و نیز پدید آمدن تمدن بزرگ اسلامی نقش ایفا کرده‌اند.

در این میان زندگانی امام رضا<sup>(ع)</sup> به عنوان یکی از معصومان<sup>(ع)</sup> به سبب شرایط ویژه‌ای که از حیث سیاسی، فرهنگی و علمی در عصر ایشان وجود داشته، ویژگی‌هایی دارد که آن حضرت را از دیگر معصومان<sup>(ع)</sup> متمایز می‌کند. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیتی امام رضا<sup>(ع)</sup> سیره فرهنگی ایشان بوده که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است.

در زمان امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> مسائل و مشکلات فرهنگی زیادی به وجود آمده بود که موجب انحراف از فرهنگ اصیل اسلامی شده بود. ایشان نیز با توجه به شرایط زمانی و مکانی از طریق مداخله در فرایندهای فرهنگی به بارور کردن فرهنگ تشیع مبادرت ورزیده و آن را از انحراف حفظ کرده‌اند.

در زمینه سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> به صورت عام تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است اما در موضوع پژوهش مذکور با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارنده پیشینه پژوهشی جدی با عنوان سیاست‌گذاری فرهنگی در سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> مشاهده نشد. اما با این وجود در پژوهش‌های صورت گرفته به صورت استطرادی اشاراتی به فعالیت‌های فرهنگی حضرت مشاهده می‌شود. برخی از منابع مرتبط با فعالیت‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> عبارت است از: جعفریان (۱۳۷۶) در کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه»، جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲) در کتاب «ابعاد و شخصیت و زندگی حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup>»، سعیدی گراغانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان

«مدیریت فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup>»، خیری (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نهضت‌های علمی و فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup>» هر یک به بخشی از فعالیت‌های فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> پرداخته‌اند. این پژوهش در صدد است تا با نگاه سیاست‌گذاری فرهنگی، ابتدا مسائل فرهنگی دوران امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> را احصا کند و سپس به مجموعه اقدامات هدفمند و نسبتاً ثابت ایشان به عنوان رهبر جامعه شیعی، بپردازد و نقش ایشان را در منظومه معصومین<sup>(ع)</sup> برای رساندن جامعه اسلامی به سعادت و توسعه فرهنگ اصیل اسلامی بررسی کند.

### ۱. سیاست‌گذاری فرهنگی<sup>۱</sup>

از آن جا که هیچ وفاقی درباره مفهوم بی حد و حصر فرهنگ (Culture) وجود ندارد، بنابراین تعریف دقیق سیاست‌گذاری فرهنگی نمی‌تواند بدون توجه به تعریف فرهنگ صورت گیرد. این بدین معناست که سیاست‌گذاری فرهنگی با تعریف فرهنگ و شناسایی حدود و ثغور آن شکل می‌گیرد و دامنه و گستردگی سیاست‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه اشتریان معتقد است: «تعریف ما از فرهنگ، هر چه باشد تأثیری در فرایند سیاست‌گذاری ندارد؛ اما آن جا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی (مثلاً سازمان فرهنگی - هنری شهرداری‌ها) مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاست‌گذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد» (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۹ و ۳۰).

برخی صاحب‌نظران در تعریف و توصیف سیاست‌گذاری فرهنگی آن را با برخی مؤلفه‌ها مانند توسعه فرهنگی یا برنامه‌ریزی فرهنگی پیوند می‌زنند و سعی آن‌ها بر این است که مفهوم سیاست‌گذاری را با ادبیات مؤلفه‌های مذکور تشریح و تعیین کنند برای مثال پرویز اجلالی در چارچوب دانش سیاست‌گذاری، «سیاست‌گذاری فرهنگی را از نوع برنامه‌ریزی راهبردی می‌داند که از آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه (ایدئولوژی) الهام می‌گیرد و دو نوع برنامه‌ریزی میان مدت (برنامه‌ها) و برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت (طرح‌های اجرایی) را هدایت می‌کند» (اجلالی، ۱۳۷۹: ۵۹). در تعیین مختصات سیاست‌گذاری فرهنگی، برخی به سطوح سیاست‌گذاری فرهنگی اشاره و آن را به دو حیطه تقسیم کرده‌اند: سیاست‌گذاری ناظر به عرصه‌های خرد و کلان فرهنگی. در عرصه خرد، سیاست‌گذاری فرهنگی «به اقدامات و فعالیت‌های عاملان و از پیش طراحی

شده‌ای گفته می‌شود که نهادهای مختلف از قبیل دولت، بازار یا جامعه مدنی در جهت تولید، توزیع و اشاعه محصولات فرهنگی از خود بروز می‌دهند» (گویگان، ۱۳۸۸: ۷) اما در عرصه کلان «سیاست گذاری فرهنگی، به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است. چنین اراده‌ای مطابق تعریف سیاست گذاری، می‌تواند سلبی یا ایجابی باشد» (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

در مجموع می‌توان گفت سیاست گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر «سیاست گذاری فرهنگی، به معنای برنامه‌ریزی و مدیریت در حوزه فرهنگ است» (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۳۱۶). از طرف دیگر سیاست گذاری فرهنگی شاخه‌ای از سیاست گذاری عمومی محسوب می‌شود، و سیاست گذاری عمومی به طور کلی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۲). با این بیان سیاست گذاری فرهنگی اشاره به مجموعه اقدامات هدفمند و نسبتاً ثابت دارد که در یک بازه زمانی برای رفع مسائل فرهنگی اجرا می‌شود.

## ۲. زمینه‌های تاریخی سیاست گذاری فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup>

امام رضا<sup>(ع)</sup> به قول مشهور روز یازدهم ذی‌قعدة ۱۴۸ قمری تولد یافت و در آخر صفر ۲۰۳ به شهادت رسید. ایشان از سال ۱۸۳ قمری منصب امامت را بر اساس وصیت امام کاظم<sup>(ع)</sup> عهده‌دار شد. ۱۰ سال امامت ایشان در حکومت هارون الرشید، پنج سال در زمان حکومت امین و پنج سال آخر امامت شان در زمان مأمون سپری شد.

حکومت عباسی در دوران به امامت رسیدن حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در اوج قدرت خود قرار داشت. هارون معروف‌ترین خلیفه عباسی است و در زمان وی بغداد به اوج وسعت و اهمیت رسید و مرکز تجارت و مقصد رجال علم و ادب شد (ابراهیم حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۴۵). فخری می‌گوید: «دولت هارون از دولت‌های خوب بود. رونق، قدرت و وسعت فراوان داشت و قسمت اعظم جهان خراج گزار وی بود. بسیار عالم، شاعر، فقیه، قاری، قاضی، نویسنده، ندیم و نغمه گر که به درگاه هارون بود، به درگاه هیچ خلیفه دیگر نبود که به هر یک صله فراوان می‌داد و به بالاترین مرتبه‌ها می‌رسانید و وی را منزلت می‌داد» (ابن الطقطقی، ۱۴۱۸ ق: ۱۹۵).

در زمان خلافت وی، فعالیت‌های علمی گسترش یافت. حدود ۳۰ مدرسه عالی ایجاد شد که مشهورترین آن‌ها نظامیه بود. به علاوه در آن مدارس، کتابخانه‌های عمومی تأسیس کرد که مهم‌ترین آن‌ها بیت الحکمه بود. هارون کتابخانه شخصی خود را به آن جا منتقل کرد و کتاب‌هایی را که از پدرش مهدی و از پدر بزرگش منصور جمع کرده بود به آن اضافه کرد (قرشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۲).

در همین دوران نهضت ترجمه که از اواخر دوره امویان آغاز شده بود به اوج خود می‌رسد و با گسترش قلمرو اسلامی و فتح بعضی از شهرهای بزرگ روم به دست مسلمانان کتاب‌های یونانی فراوانی به دست مسلمانان می‌افتد که به دستور هارون به عربی ترجمه شدند. برمکی‌ها که از دست اندر کاران حکومت بودند با قرار دادن مستمری برای مترجمان و تأمین نیازمندی‌های مالی و زندگی آنان، افراد توانمند را به سرعت بخشیدن به این حرکت تشویق و ترغیب می‌کردند (ابراهیم حسن، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۴۶).

اماهارون در برابر مخالفان خود، بی‌رحم‌ترین و سفاک‌ترین انسان بود. در تاریخ آمده است وی بر علویان بسیار سخت‌گیر بود، قدم به قدم ایشان را تعقیب می‌کرد و می‌کشت (زیدان، بی تا: ۴۳۱). وی سپس با قتل امام کاظم<sup>(ع)</sup> بزرگ علویان، دشمنی خود به این خاندان را بیش از پیش نشان داد. همچنین وی برای گرفتن خراج، مردم را شکنجه می‌داد تا آن جا که بر کارگران و کشاورزان دهقانان زمین‌دار و پیشه‌وران و خریداران غله و اجاره کاران که بدهی مالیات عقب افتاده داشتند سخت می‌گرفت «و پاداش‌های او مخصوص اهل لهو و لعب و آوازه‌خوان‌ها و رقاصه‌ها بود.» (عاملی، ۱۴۱۶ق: ۹۲).

در زمان وی امام رضا<sup>(ع)</sup> از آزادی نسبی برخوردار بود و کمتر هدف آزار و اذیت قرار می‌گرفت. با وجود این حضرت اهداف و سیاست‌های خود را دنبال می‌کرد و از هارون ترسی نداشت.

بعد از هارون، محمد امین در سال ۱۹۳ قمری به خلافت رسید. وی در لهو و لعب زیاده‌روی می‌کرد، و به جای اداره امور مملکت همواره در پی خوش‌گذرانی بود و بدان اشتغال داشت. در وصف او گفته شده است: «... وی زشت کردار، سست رأی و خون‌ریزی بود که بر مرکب هوی و هوس خود سوار شده و تنبل و سست مایه بود و در کارهای مهم به دیگران اتکا می‌کرد...» (مسعودی، بی تا: ۳۰۲)

دوران حکومت او، دوران جنگ، بلیات، غضب و ویرانی بود (عاملی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۱ و ۱۲۲). در

این زمان جو تردید و تزلزل بر حکومت سایه افکنده و اختلافات داخلی، خانواده عباسی را به تفرقه خطرناکی کشانده بود، به طوری که امین بر خلاف وصیت پدر، برادر خود مأمون را از ولایت عهدی خلع و پسر خردسال اش موسی را به این سمت بر می‌گزیند و این باعث جنگ بین او و برادرش مأمون شد که سرانجام این جنگ، به پیروزی مأمون و کشته شدن امین انجامید.

در زمان خلافت مأمون، امام رضا<sup>(ع)</sup> از آزادی کامل بر خوردار بودند. در همین دوران است که حضرت شاگردان فراوانی را تربیت و در مدینه جایگاه والایی در بین مردم کسب می‌کنند. چنان چه حضرت نزد مأمون از فعالیت خویش در مدینه یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «... به خدا قسم وقتی در مدینه بودم، سوار بر مرکب خویش می‌شدم و میان کوچه و بازار رفت و آمد می‌کردم. وقتی اهالی مدینه و دیگران حاجات و نیازهای خود را از من درخواست می‌کردند، آن را بر آورده می‌ساختم. آن‌ها مثل عمو و خویشاوندان من بودند. نامه‌های مرا در شهر می‌پذیرفتند و سفارش‌های مرا رد نمی‌کردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۴۴).

مأمون بعد از کشته شدن برادرش در تاریخ ۱۹۸ قمری خود را خلیفه معرفی کرد و به جای بغداد، مرو را مرکز حکومت خود قرار داد. وی در بین خلفای عباسی به ملایمت و میل به عفو و بیزاری از انتقام مشهور بود و نیرومندترین، باهوش‌ترین، دانشمندترین و میان‌روترین خلفای عباسی به شمار می‌آید به طوری که درباره او نقل شده که «از لهو و لعب‌های متعارف خلفای پیشین عباسی به دور بود، فردی جدی با پشتکار بالا شناخته می‌شد که در تدبیر امور و زیرکی سرآمد بود.» (عاملی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۹-۱۵۵).

مأمون، علم و دانش را ترویج کرد و پایگاه دانشمندان را بالا برد و آن‌ها را به خود نزدیک ساخت و مجالس بحث و مناظره آزاد با آنان تشکیل داد. همچنین شاعران و ادیبان را احترام می‌کرد. خود نیز در شعر دستی داشت و شاعران و نغمه‌گران به دربار او فراوان بودند. به دوران او علم کلام رواج یافت و متکلمان بسیار شدند (ابراهیم حسن، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۶۴).

امام رضا<sup>(ع)</sup> به اجبار ولایت عهدی مأمون را می‌پذیرند و از مدینه به مرو سفر می‌کنند و زیر نظر حکومت قرار می‌گیرند. ایشان با استفاده از فرصت پیش آمده در سفر به مرو فعالیت تبلیغی- فرهنگی وسیعی برای گسترش اسلام انجام می‌دهند. آنچه بیان شد زمینه‌های تاریخی‌ای بود تا نشان دهد در چه فضا و شرایطی حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به سیاست‌گذاری پرداخته و اهداف الهی خود را دنبال کرده‌اند.

### ۳. سیاست‌گذاری فرهنگی در سیره امام رضا<sup>(ع)</sup>

در این بخش سیاست‌گذاری فرهنگی حضرت رضا<sup>(ع)</sup> شامل مسائل و اقدامات سیاستی ایشان تجزیه و تحلیل می‌شود.

#### ۳.۱. مسائل فرهنگی

##### ۳.۱.۱. در خطر بودن رهبری شیعی

پس از شهادت امام کاظم<sup>(ع)</sup> اولین مشکل فرهنگی، نپذیرفتن امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> توسط برخی از شیعیان بود. اختلافی که پس از شهادت امام صادق<sup>(ع)</sup> در مسئله جانشینی آن حضرت به وجود آمد، سبب شد تا این بار پس از شهادت امام کاظم<sup>(ع)</sup>، اصحاب، در موضوع جانشینی دقت و احتیاط بیشتری به خرج دهند و قبل از شهادت آن حضرت، درباره شناخت او اصرار بورزند (جعفریان، ۱۳۷۶: ۴۲۸).

در این زمان مفهوم «قائم» و «مهدی» نیز در میان شیعه مطرح و از قوت زیادی برخوردار بود، گرچه باید گفت که در منابع اهل سنت هم فراوان وجود داشت. اما مشکل این جا بود که مصداق واقعی آن را نمی‌شناختند. مسئله مهدویت امام کاظم<sup>(ع)</sup> نیز پس از شهادت آن حضرت، به این معنا که او هنوز زنده است و غیبت اختیار فرموده، از طرف عده‌ای ترویج و این باعث می‌شد، عده‌ای در امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> مردد شوند.

نیز زندگی شخصی امام کاظم<sup>(ع)</sup> به گونه‌ای بود که شک و تردید در امامت بعد از ایشان را شدت می‌بخشید. زندانی شدن امام کاظم<sup>(ع)</sup> در زندان‌های متعدد به خصوص زندانی که موجب شهادت ایشان گشت، راه را برای انکار شهادت ایشان از سوی برخی از نمایندگان آن حضرت به خاطر منافع دنیوی هموار کرد که این خود موجب شبهه در امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> و تفرقه بین مردم شد (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۳۱).

همچنین هارون قسم یاد کرده بود که اگر کسی مدعی امامت شود پس از حبس، گردنش را می‌زند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۲۶). در این شرایط، باید اقدامی از طرف حضرت رضا<sup>(ع)</sup> برای حفظ رهبری شیعه انجام می‌گرفت.

##### ۳.۱.۲. انحرافات عقیدتی در نهضت ترجمه

همان گونه که قبلاً بیان شد دوران امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> اوج نهضت ترجمه بود و امواج آشنایی با فرهنگ‌های غیر اسلامی، مسلمانان را در معرض مواجهه با علوم و تجارب دیگر ملل در حوزه‌های

مختلف قرار می‌داد. ترجمه آثار دیگر ملل به خودی خود برای رشد علمی مسلمانان خوب بود اما از آن رو که برخی از افکار متعارض با مبانی اسلامی را نشر می‌داد و برخی از مسلمانان یا نمی‌توانستند افکار صحیح را از فاسد تشخیص دهند یا برای آنان اهمیتی نداشت که این افکار با مبانی اسلام سازگار است یا نه، موجب می‌شد شبهاتی در بین مسلمین شکل گیرد و باعث تفرقه آنان شود.

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که سیاست حکومتی نیز همین هدف را دنبال می‌کرد. به عنوان نمونه مأمون در راستای این سیاست فرستاده‌ای را به سوی حاکم سیسیل که مسیحی بود، روانه کرد و از او خواست که کتابخانه سیسیل را که از حیث کتاب‌های فلسفی و علمی غنی بود، نزد او بفرستد. حاکم اعیان دولت را جمع کرد و درخواست مأمون را با آنان در میان گذاشت. بزرگان دربار به او گفتند: کتاب‌ها را به سوی او بفرست که سوگند به خدا این علم به هر کشوری که داخل شود، مردم آن جا را فاسد می‌کند. حاکم این گفته را استوار دانست و بدان عمل کرد (رفاعی، ۱۳۴۶ق، ج ۱: ۳۷۵).

در بین مترجمان نیز گروهی از پیروان متعصب و سرسخت مذاهب وجود داشتند و به طور یقین همه آنان در کار خود حسن نیت نداشتند؛ بلکه گروهی از آنان سعی می‌کردند که از این فرصت استفاده کنند و افکار شبهه‌ناک و فاسد خود را در لابه‌لای کتب به ظاهر علمی وارد فرهنگ اسلامی کنند. این نیز یکی دیگر از مسائل فرهنگی زمان امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> بود که باید با افکار انحرافی مبارزه و به شبهات پاسخ داده می‌شد.

### ۱.۳. ظهور و بروز ادیان و فرقه‌های گوناگون

فرقه‌های قطعیه، واقفیه، بشریه، زیدیه، صوفیه، فطحیه، اسماعیلیه، غلات، مفوضه، معتزله، اهل حدیث، اهل جبر، قائلین به تناسخ و زنادقه و... از فرقه‌های فعال یا به وجود آمده در زمان امام رضا<sup>(ع)</sup> هستند. (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۷۹-۸۴؛ مرتضوی، ۱۳۷۵: ۶۶-۱۹۸؛ امام جمعه‌زاده و محمود اوغلی، ۱۳۹۳: ۱۵-۲۲)

برخی از این فرقه‌ها بر اساس شبهات فکری و عقیدتی‌ای که در خلال نهضت ترجمه به وجود آمدند و گروهی مانند واقفیه بر اساس مسائل اقتصادی شکل گرفت. «عده‌ای دیگر تازه مسلمانانی بودند که در اثر همزیستی با مسلمانان، مسلمان شده بودند و در دین سابق خود، دارای افکار شک‌آلودی بودند که بعد از مسلمان شدن نیز، این افکار در ذهن آنان رسوخ داشت و تعالیم اسلامی را، در سایه همان افکار، تفسیر و توجیه می‌کردند. عده‌ای نیز به ظاهر مسلمان شده بودند، تا افکار



انحرافی را در بین مسلمانان منتشر کنند» (ابوزهره، بی تا، ج ۱: ۱۳).

همچنین فضای باز ایجاد شده برای ادیان غیر اسلامی مانند بوداییان، مانویان، مسیحیان، یهودیان و... در این زمان نیز باعث ترویج افکار آنان در جامعه مسلمانان شد و به پدید آمدن برخی فرقه‌ها کمک کرد. از طرف دیگر مأمون هم با تشکیل مناظرات مختلف در زمان خلافت اش فضایی آزاد را برای فرقه‌ها و ادیان مختلف ایجاد کرد تا بتوانند برای دفاع از موقعیت و اثبات حقانیت شان اندیشه‌های خود را به شدت رواج دهند.

از طرفی شکل‌گیری این فرقه‌ها باعث تفرقه بین مسلمانان شده بود و وحدت امت اسلامی را به خطر می‌انداخت و در این شرایط حضرت رضا<sup>(ع)</sup> باید برای رسیدن به فرهنگ اسلامی واحد تلاش می‌کردند.

#### ۳،۱،۴. انحراف از سنت نبوی

در تاریخ شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد زندگی خلفای عباسی در زمان امام رضا<sup>(ع)</sup> هیچ‌گونه شباهتی به زندگی و سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> نداشته است. در این باره ابراهیم حسن می‌گوید: «داخل قصر عباسیان با مخده‌های گران‌بها و گلدان‌های زیبا و اثاث طلا و مرصع آرایش یافته بود. عباسیان در خرج گشاده‌دست بودند و به فراهم کردن لوازم تفنن از اسراف دریغ نداشتند. در قصر خلیفه و بزرگان دولت نغمه گران بودند و موسیقی دانان و آن مجلس‌ها که در قصر فراهم می‌شد نمونه زیبایی و کمال بود. هارون از همه خلیفگان به موسیقی و طرب دلبسته‌تر بود و نغمه گران را عطای بیشتر می‌داد. روزی رشید نغمه گران را فراهم کرد و از سران قوم کسی نبود اما شخصی که سازی نکو می‌نواخت در کنارش بود، رشید که شراب در او اثر کرده بود آهنگی خواست و پرده‌دار به ابن جامع بگفت تا بنوازد» (ابراهیم حسن، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۲۹-۳۳۰). قصر تجملاتی، اسراف، موسیقی، طرب و شراب‌خواری سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> نبوده است که خلفای عباسی در جامعه رواج می‌دادند و مردم اعمال آن‌ها را به عنوان جانشین پیامبر<sup>(ص)</sup> و عین سنت ایشان برداشت می‌کردند و حضرت رضا<sup>(ع)</sup> باید مردم را نسبت به سنت واقعی پیامبر<sup>(ص)</sup> آشنا می‌کردند.

علاوه بر این، روایاتی از حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نیز موجود است که انحراف از سنت نبوی را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه مأمون دستور داد تا حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نماز عید را بخوانند. امام رضا<sup>(ع)</sup> ابتدا نپذیرفتند، ولی چون مأمون اصرار کرد ایشان فرمودند به شرطی نماز می‌خوانند که اجازه دهند به شیوه رسول خدا<sup>(ص)</sup> و علی<sup>(ع)</sup> نماز بخوانند (مفید، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۵۶). این جمله نشان می‌دهد که

نماز عید به شیوه و سنت رسول خدا<sup>(ص)</sup> خوانده نمی شده است. یا این که؛ «... مأمون دستور داد پسرش عباس اولین کسی باشد که با امام رضا<sup>(ع)</sup> به عنوان ولیعهد بیعت کند. امام<sup>(ع)</sup> دست خود را به طوری بلند کرد که پشت دست آن جناب مقابل صورت خودش و کف دست رو به مردم بود. مأمون گفت دست خود را برای بیعت بگشایید. فرمود: پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> این چنین بیعت می کرد و مردم بیعت کردند و دست حضرت رضا<sup>(ع)</sup> بالای دست آن ها بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۱۴۶). این روایت نیز نمونه‌ای دیگر از انحراف در سنت نبوی را بیان می کند.

### ۳،۱،۵. تحریف و جعل احادیث

تحریف احادیث مسئله دیگری بود که در زمان حضرت وجود داشت. به عنوان نمونه شخصی به امام رضا<sup>(ع)</sup> عرض کرد: نظر شما درباره روایتی که مردم از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل می کنند که آن حضرت فرموده است خداوند هر شب به آسمان دنیا فرود می آید چیست؟ امام<sup>(ع)</sup> فرمود: خدا لعنت کند کسانی را که سخنان را از جایگاه خودشان تغییر می دهند. به خدا قسم! پیامبر چنین سخنی نفرموده است. آن چه پیامبر فرموده است این بوده که خداوند در ثلث آخر شب و ثلث اول شب جمعه فرشته‌ای را به آسمان دنیا می فرستد و به او دستور می دهد این سخنان را تا صبح تکرار کند «آیا سائلی هست که به او عطا کنم؟ آیا تائبی هست تا توبه اش را بپذیرم؟، آیا استغفار کننده‌ای هست تا او را ببخشم؟، ای کسی که دنبال کار خیر هستی به کار خود ادامه بده. ای کسی که به دنبال کار شر هستی به کار خود ادامه نده». این ملک همچنان ادامه می دهد تا فجر طلوع می کند و بعد از طلوع فجر به محل خود بر می گردد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱، ص ۱۲۶) مانند این حدیث، نمونه‌های دیگری نیز داریم که نشان از تحریف احادیث نبوی و اهل بیت<sup>(ع)</sup> دارد.

### ۳،۱،۶. شایعات و دروغ پراکنی علیه اهل بیت<sup>(ع)</sup>

شایعات و دروغ پراکنی علیه اهل بیت<sup>(ع)</sup> و به ویژه حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نیز یکی دیگر از مشکلات فرهنگی در زمان امامت شان است. به عنوان نمونه بعد از جریان نصب امام رضا<sup>(ع)</sup> به ولایت عهدی مدتی در خراسان باران نیامد. مخالفان حضرت گفتند این هم از قدم حضرت رضا<sup>(ع)</sup> است که چون ولیعهد شده باران قطع شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۶۸).

یا شخصی به ایشان می گوید: هشام بن ابراهیم عباسی، پخش کرده که شما غنا را حلال

می دانی؟ حضرت فرمود آن بی دین دروغ گفته است. او از من راجع به غنا پرسید، به او گفتم مردی از حضرت باقر<sup>(ع)</sup> درباره غنا سؤال کرد. امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود آن گاه که خداوند حق و باطل را از هم جدا کند غنا در کدام طرف خواهد بود؟ آن مرد عرض کرد: غنا در طرف باطل است، امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود: جواب سؤال را خود داده‌ای (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۳۵۸).

یکی دیگر از شایعاتی که علیه اهل بیت<sup>(ع)</sup> توسط بنی عباس رواج داده می‌شد این بود که ائمه<sup>(ع)</sup> مردم را بردگان خود می‌پندارند. «أباصلت گوید: من خدمت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> رسیدم در حالی که در مصلاهی خود نشسته و در فکر فرو رفته بود. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا این چه مطلبی است که مردم از شما نقل می‌کنند. حضرت رضا<sup>(ع)</sup> فرمود: کدام مطلب؟ أباصلت گوید عرض کردم: مردم می‌گویند شما مدعی هستید که مردم همه بردگان شما هستند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۴)

### ۳،۱،۷. فریب و نیرنگ حکومت

یکی دیگر از مشکلات فرهنگی زمان امام رضا<sup>(ع)</sup> فریب و نیرنگ حکومت بود. این مشکل بیشتر زمان خلافت مأمون وجود داشت. در دورانی که وی به خلافت می‌رسد به دلیل درگیری با عباسیان، ظلم و ستم والیان و اوضاع نا به سامان سرزمین‌های اسلامی، مشکلاتی از این قبیل پیش می‌آید: ۱- عباسیان و دربار، اعتباری برای وی قائل نبودند و بر اساس شکست امین از وی، ابراهیم بن مهدی، عموی وی را به عنوان خلیفه انتخاب و با وی بیعت کردند. ۲- علویان نیز از او راضی نبودند، زیرا علویان نه تنها به خلافت هیچ یک از عباسیان تن نمی‌دادند، خود کسانی را داشتند که به مراتب سزاوارتر از عباسیان برای تصدی حکومت بودند. گذشته از این، مأمون به خاندانی وابسته بود که علویان، شکنجه، آزار، تبعید و همه این مصیبت‌ها را از این خاندان می‌کشیدند. ۳- اعراب نیز از او دل خوشی نداشتند به دلیل: این که مادر، مربی و متصدی امور او همه غیر عرب بودند. و همچنین بیزاری عرب از مأمون به خاطر رفتار ناپسند نیاکانش به ویژه پدرش بود که با مردم به طور کلی و با اهل بیت<sup>(ع)</sup> به شیوه‌های خاص بدرفتاری می‌کردند (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۳۹ و ۴۰).

در این فضای بی ثبات، قیام‌های پی در پی از جمله علویان نیز اوج می‌گیرد. چنان که قیام محمد بن ابراهیم ابن طباطبایا، قیام ابراهیم بن موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup>، قیام محمد بن جعفر صادق<sup>(ع)</sup>، قیام زید بن موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> از این قیام‌ها بود (منتظر القائم، ۱۳۸۶: ۲۲۴ و ۲۲۵).

مأمون برای حل مشکلاتش زورگویی و شدت عمل را مفید نمی‌دانست، منطق و استدلال هم برایش کارساز نبود؛ زیرا علویان از این لحاظ به مراتب قوی‌تر از او بودند و نیز به خاطر جنگ

با برادرش امین و بی اعتبار شمردن او از طرف خاندان عباسی و ... چاره‌ای اندیشید که اگر بزرگ و آقای علویان را به نزد خود آورد، می‌تواند قیام‌ها را کنترل و مردم خراسان و مرو را که ارادت فوق‌العاده‌ای به خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> داشتند نیز با خود همراه کند و بدین ترتیب مشروعیت حکومت خود را تثبیت خواهد کرد. وی پس از مشورت با فضل بن سهل تصمیم گرفت امام رضا<sup>(ع)</sup> را به مرو فراخواند و اغراض سیاسی خود را به مقصد رساند. در مقابل این مشکل باید حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نیز اقداماتی انجام دهند تا توطئه فریبکارانه مأمون خنثی شود. با نگاه به سیر تحولات حرکت امام رضا<sup>(ع)</sup> از مدینه به مرو، مجموعه اقدامات هدفمندی از سوی ایشان مشاهده می‌شود که ماهیتی فرهنگی دارد و می‌توان آن‌ها را تدبیری در قبال مشکل فریب و نیرنگ حکومت در نظر گرفت. در یک جمع‌بندی می‌توان مسائل فرهنگی دوران امامت امام رضا<sup>(ع)</sup> را به این صورت نشان داد:

### ۳،۲. اقدامات سیاسی



#### ۳،۲،۱. اعلام صریح و آشکار رهبری شیعه

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> بعد از احساس خطر درباره امامت شیعه با شجاعت تمام، امامت خود را آشکارا اعلام می‌کنند و در خانه خود را به روی مردم می‌گشایند و هنگامی که برخی از یاران حضرت به ایشان می‌گویند که شما در جای پدر خویش نشستید و امامت خویش را آشکار کرده‌ای، در حالی که خون از شمشیرهارون می‌چکد، حضرت به آن‌ها می‌گویند که هارون نمی‌تواند به من ضرر برزند و این را حجتی بر امامت خود قرار می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲۵۷).

علّت پافشاری امام<sup>(ع)</sup> بر این سیاست این بود که امامت شیعی در آن شرایط حساس از هر سو هدف شبیخون قرار گرفته بود و چنان چه امام<sup>(ع)</sup> به تثبیت و تحکیم پایه‌های آن نمی‌پرداخت چه بسا دشمنان ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر مکتب اهل بیت<sup>(ع)</sup> وارد می‌کردند (رفیعی، بی‌تا: ۲۲۳).

### ۳،۲،۲. اهتمام به تربیت شاگردان نخبه

امام رضا<sup>(ع)</sup> در پرورش شاگردان نخبه اهتمام فراوانی داشتند و در حدیث، فقه، کلام، علوم قرآن و تفسیر شاگردان نخبه‌ای را تربیت کردند. تلاش امام رضا<sup>(ع)</sup> در برخی علوم مانند فقه و کلام به حدی است که می‌توان گفت بزرگان تربیت یافته در اصحاب امام رضا<sup>(ع)</sup> حتی بیشتر از اصحاب امام صادق<sup>(ع)</sup> هستند (محبی پور، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۱).

امام رضا<sup>(ع)</sup> به وسیله تربیت شاگردان و هدایت آن‌ها، سیاست‌های فرهنگی مدنظر خود را پیش می‌بردند. چنان‌که کسانی چون هشام بن حکم، هشام بن سالم، یونس بن عبدالرحمن و علی بن اسماعیل و... از شاگردانی بودند که به رهبری امام توانستند به طور عمده مانع رسوخ انحرافات در مذهب شیعه شوند.

### ۳،۲،۳. تشکیل جلسات علمی دینی

امام رضا<sup>(ع)</sup> برای بصیرت‌افزایی و گسترش فرهنگ اسلامی جلسات علمی زیادی را تشکیل دادند. در مدینه ایشان کلاس درس داشته‌اند. در این باره اباصلت هروی می‌گوید: «از حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نقل شده فرمودند من در حرم پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌نشستم، دانشمندان مدینه اجتماع می‌کردند. چون یکی از آن‌ها در مسئله‌ای فرو می‌ماند، همگی متوجه من می‌شدند و مسائل را نزد من می‌فرستادند و من پاسخ آن‌ها را می‌دادم» (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۴).

«به طور کلی امام رضا<sup>(ع)</sup> در مسجد، مجلس درس و بیان مسائل داشته است» (عطاردی، ۱۳۶۷: ۳۶۰) یا در روایتی از سلیمان جعفری نقل شده است: «در خدمت امام رضا<sup>(ع)</sup> بودم، در حالی که خانه ایشان پر بود از مردم و آن‌ها سؤال می‌کردند و آن حضرت پاسخ می‌فرمود» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ۳۳۴). همچنین الیسع بن حمزه می‌گوید: «در مجلس امام رضا<sup>(ع)</sup> مشغول گفت‌وگو با ایشان بودم، در حالی که مردم بسیاری در خدمت ایشان بودند و از حلال و حرام می‌پرسیدند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۳).

علاوه بر جلساتی که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در مسجد و در منزل برای عموم برگزار می‌کردند، جلساتی خصوصی برای شیعیان و یاران خاص خود داشتند و این جلسات در خلوت شب صورت می‌گرفت؛

به نحوی که امام<sup>(ع)</sup> شاگردان خود را به حضور می طلبیدند و مطالبی را با آن‌ها در میان می گذاشتند. در برخی از کتب به این ملاقات اشاره شده است. به عنوان نمونه «بزنطی نقل می کند من به اتفاق صفوان و محمد سنان بر حضرت رضا<sup>(ع)</sup> وارد شدم. پس از مدتی که در حضور این جناب بودیم، برخاستیم که برویم، امام<sup>(ع)</sup> فرمود: ای احمد، شما بنشینید. من هم در کنار آن جناب نشستیم و حضرت<sup>(ع)</sup> با من سخن می گفت و من سؤالاتی از او می پرسیدم تا آن گاه که پاسی از شب گذشت» (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۸۸۹) یا در حدیث دیگری آمده است که زکریا بن آدم قمی گوید: «در اول شبی خدمت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> رسیدم. ما آن شب را به گفت‌وگو پرداختیم تا فجر طلوع کرد. در این هنگام حضرت برخاست و نماز صبح را به جا آورد» (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸۷۳).

علاوه بر مجالس علمی که حضرت در مدینه برگزار می کردند، امام رضا<sup>(ع)</sup> در سال ۱۹۴ قمری به بصره رفت و به درس حدیث و نشر علم پرداخت (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۵؛ به نقل از محبی پور، ۱۳۸۸: ۲۶) و نیز در سفر به ایران به هر منزلگاهی که می رسید، به ایراد حدیث می پرداخت. در این باره رجاء بن ضحاک نقل می کند: آن حضرت در هیچ شهری قدم نمی گذارد جز این که اهالی آن سامان به دیدارش می شتافتند و از ایشان مسائل و مشکلات دینی خود را می پرسیدند و حضرت برای آنان حدیث نقل می کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۳).

زمانی هم که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به ولایت عهدی منصوب می شوند، افزون بر شرکت در مناظرات عمومی و مجالس علمی که مأمون آن‌ها را تدارک می دید، در منزل خود و مسجد مرو نیز حوزه علمی تشکیل دادند و به تربیت شاگردان پرداختند.

### ۳،۲،۴. توسعه همه جانبه علوم

یکی از اقدامات مهم حضرت رضا<sup>(ع)</sup> توسعه همه جانبه علوم است. علم طب، کلام، فقه، تفسیر قرآن، اخلاق، سیاست، حدیث و شعر علمی است که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به گسترش آن‌ها همت گمارده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲). در زمینه برخی از این علوم مانند طب و فقه کتب مستقلی به نام طب الرضا (رساله ذهبیه) و فقه الرضا منسوب به ایشان وجود دارد. در زمینه تفسیر قرآن، کتابی از احادیث تفسیری ایشان به نام مجموعه تفسیری امام رضا<sup>(ع)</sup> تدوین شده است که نشان از توجه آن حضرت به تفسیر قرآن و گسترش آن دارد (کریمی و دیمه کار، ۱۳۹۲).

علم کلام نیز یکی از علوم است که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به بارور کردن آن پرداخته‌اند و در کتب

مختلف حدیثی به مباحث کلامی اشاره شده است. علاوه بر این در این کتب مباحث سیاسی، اخلاقی و ادبی وجود دارد که توجه ایشان را به گسترش این علوم نشان می‌دهد (عطاردی، ۱۴۰۶ق؛ طبرسی، ۱۴۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹).

### ۳،۲،۵. سفرهای تبلیغی

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> با سفر به مراکز فرهنگی آن زمان چون بصره و کوفه علاوه بر دفاع از اسلام ناب، از مکتب تشیع و امامت خویش دفاع کرد (قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۳-۱۰۱). این سفرها بیشتر در زمان جنگ بین امین و مأمون رخ داده است و حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در این سفرها محافل علمی تشکیل می‌داده‌اند و به ایراد حدیث می‌پرداختند. علاوه بر این سفرها، در مسیر از مدینه تا مرو به هر شهر و استانی که می‌رسیده‌اند، به سخنرانی می‌پرداخته و حدیث از پیامبر<sup>(ص)</sup> و یا از پدران خود نقل می‌کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۳).

### ۳،۲،۶. مناظرات علمی

در زمان امامت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> مناظره علمی کاری مورد قبول بود و یکی از شیوه‌های امام رضا<sup>(ع)</sup> برای انتقال معارف اسلامی استفاده از مناظره بوده است. ایشان هم در مدینه، هم در سفرهای تبلیغی به بصره و کوفه به مناظره با علمای ادیان، فرق و مذاهب گوناگون اسلامی و شیعیان اقدام کرده‌اند.

همچنین با فرصتی که امام<sup>(ع)</sup> در زمان ولایت عهدی مأمون عباسی به دست آوردند و با مناظراتی که وی برای در مانده کردن امام<sup>(ع)</sup> به راه انداخت، ایشان با توجه به درک و شرایط مخاطب، با شیوه‌های مختلفی توجه طرف مقابل را به موضوع جلب و این توجه را در طول بحث حفظ می‌کردند. از آن جمله می‌توان به احتجاج با زبان مخاطب، بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه، همگام شدن با مخاطب از طریق گوش دادن پویا، خوش‌سازی کلام و هدایت کردن مخاطب در مسیر بحث، رعایت حد سخن با توجه به موقعیت مناظره و شرایط مخاطب و نظایر آن اشاره کرد. همچنین دعوت مخاطب به پرسش، تشویق مخاطب به ادامه بحث و طرح نظریه‌های خود، تسلط حضرت به جمیع علوم و زبان‌ها، اعطای آزادی کامل به طرف مناظره، دریافت پاسخ مناسب از سوی حضرت با حداقل تلاش مخاطب و نظایر آن از جمله الگوهایی است که از طرف امام<sup>(ع)</sup> در مناظره‌ها رعایت می‌شد (امام جمعه زاده و محمود اوغلی، ۱۳۹۳: ۲۵).

### ۳،۲،۷. احیای سنت نبوی

حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در هر فرصتی که پیش می‌آمد، سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> را با اعمال و رفتار خود به مردم نشان می‌دادند. در قضیه بیعت ولایت عهدی و نیز نماز عید فطر، حضرت رضا<sup>(ع)</sup> اشاره می‌کنند به این که سنت درست نبوی چگونه بوده است. علاوه بر این، نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در پی احیای سنت نبوی است. به عنوان مثال هنگامی که ایشان به بصره می‌رود، در جلسه‌ای جاثلیق مسیحی و رأس الجالوت را هم شرکت می‌دهند. سپس رو به آن‌ها می‌کنند و می‌فرمایند: من شما را به این جا احضار کردم برای این که ممکن است سؤال کنید راجع به سنت پیامبر و علامت امامت، و چون ممکن نیست جواب آن را از احدی به غیر از ما اهل بیت بشنوید، بنابراین بیایید و از من بپرسید (قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۳). این روایت خود گویای احیای امام رضا<sup>(ع)</sup> است.

### ۳،۲،۸. تبیین احادیث صحیح و لعن جاعلان

در مقابل جعل احادیث توسط برخی افراد، سیاست حضرت رضا<sup>(ع)</sup> لعن و طرد آن‌هاست. سپس احادیث صحیح را از ناصحیح مشخص می‌کردند. همچنین به شاگردانشان اصولی را یاد دادند که آن‌ها نیز بتوانند حدیث جعلی و تحریف شده را از حدیث صحیح تشخیص دهند. به عنوان نمونه یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: من به عراق وارد شدم. شماری از اصحاب امام باقر<sup>(ع)</sup> را یافتیم، ولی یاران امام صادق<sup>(ع)</sup> را فراوان یافتیم. از آن‌ها حدیث شنیدم و کتاب‌هایشان را گرفتم. پس در فرصتی این کتب را بر ابوالحسن الرضا<sup>(ع)</sup> عرضه داشتم. آن حضرت احادیث فراوانی از احادیث امام صادق<sup>(ع)</sup> را تکذیب کرد و به من فرمود: ابوالخطاب به امام صادق<sup>(ع)</sup> دروغ بست. خدا ابوالخطاب را لعنت کند! این احادیث را اصحاب ابوالخطاب در کتب امام صادق<sup>(ع)</sup> تا به امروز قرار داده‌اند. بنابراین، آن چه را با قرآن مخالف باشد، نپذیرید، زیرا ما اگر سخن می‌گوییم، موافق قرآن و سنت سخن می‌گوییم یا از خدا سخن می‌گوییم یا از رسول او (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۸: ۲۸۶ به نقل از محبی پور، ۱۳۸۸: ۵۶).

### ۳،۲،۹. لعن و تکفیر برخی از فرقه

اولین اقدام حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در برخورد با فرقه‌های گوناگون، پاسخ به شبهات است به عنوان نمونه گروهی از صوفیه در خراسان خدمت حضرت رضا<sup>(ع)</sup> رسیده عرض کردند «امیر المؤمنین مأمون مقام خلافتی که خدا به او عنایت کرده، خواست به شایسته‌ترین مردم واگذار نماید شما خانواده پیغمبر را از همه مردم به مقام رهبری شایسته‌ترید و از میان اهل بیت شما را از هر نظر



لایق‌تر به مقام امامت تشخیص داد، تصمیم گرفت خلافت را به شما واگذار د با این که مردم احتیاج دارند به کسی که غذای خوب نخورد و لباس درشت بپوشد و سوار الاغ شود و به عیادت مریض رود. حضرت رضا<sup>(ع)</sup> که تکیه نموده بود، راست نشست. فرمود: یوسف، پیامبر بود لباس‌های دیبا آراسته با طلا می پوشید و تکیه بر تخت فرعون می نمود و حکومت می کرد. امام باید عادل و دادگر باشد وقتی حرف می زند راست بگوید. وقتی حکومت می کند عدالت ورزد و به وعده خود وفا کند. خداوند خوراک و پوشاک را حرام نفرمود و این آیه را قرائت نمود: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۲۷۵).

امام رضا<sup>(ع)</sup> علاوه بر پاسخ به شبهات برای مبارزه با آن‌ها، اقداماتی نظیر این امور را نیز انجام دادند:

الف- تکفیر جبریون و منع از پرداخت زکات به آنان و نپذیرفتن شهادت آن‌ها (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۶۲).

ب- لعن و تکفیر غلات، واقفیه، مفوضه و قائلین به تناسخ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۳).

با بررسی سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> می توان تلاش و مبارزه ایشان با فرق گوناگون را در جهت ایجاد وحدت در میان امت اسلامی مشاهده کرد.

### ۳،۲،۱۰. گسترش مذهب تشیع

جنگ امین و مأمون و ولایت عهدی فرصت‌هایی بود که برای امام رضا<sup>(ع)</sup> به وجود آمد و ایشان از این فرصت‌ها بیشترین استفاده را در جهت گسترش و رشد مذهب تشیع بردند. امام رضا<sup>(ع)</sup> با سفرهای تبلیغی خود به بصره و کوفه و نیز سفر اجباری خود به مرو از این فرصت استفاده کردند و مردم آن شهرهایی را هم که در مسیر سفر بودند و مذهب غیر شیعی داشتند با مذهب تشیع آشنا کردند و به هر شهر که قدم می گذاشتند به ایراد حدیث می پرداختند و مردم آن دیار را شیفته خویش و مکتب شیعی می کردند. مردم خراسان نیز که از پیش به خاندان رسالت علاقه‌مند بودند، پس از حضور آن حضرت، عشق و محبت شان به اهل بیت<sup>(ع)</sup> و علویان بیشتر شد.

در این مقطع مردم از اطراف برای دیدن و بهره بردن از ایشان به خراسان روی آوردند. امام<sup>(ع)</sup> در دوران ولایت عهدی با استفاده از مناظره‌های علمی با اهل کتاب و فرقه‌های گوناگون زمینه رشد بینش دینی و گسترش تشیع را فراهم و حتی با رفتار خود فرهنگ اصیل شیعی را معرفی کردند. به عنوان نمونه در مناظره امام<sup>(ع)</sup> با عمران صابی بعد از این که سؤال‌های او را به خوبی پاسخ

می‌دهد، هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد با این که طرف مناظره می‌گوید: مولای من، سؤال مرا قطع نکن، دلم نرم شده است. حضرت می‌فرماید: نماز می‌گزاریم و باز می‌گردیم، سپس برخاستند و برای نماز رفتند (جزایری، ۴۲۷ق، ج ۲: ۳۷۷). این روایت به خوبی نشان می‌دهد که نماز اول وقت جزو فرهنگ شیعی است و حضرت رضا<sup>(ع)</sup> با این اقدام سعی در متوجه کردن شیعیان و غیر آنان در اهمیت نماز اول وقت دارند و نیز فرهنگ شیعی را تبلیغ می‌کنند.

### ۳،۲،۱۱. خنثی کردن توطئه‌های فریبکارانه حکومت

همان‌گونه که در قسمت قبل بیان شد یکی از مشکلات فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> فریب و نیرنگ حکومت و استفاده ابزاری از ایشان است، ولی در مقابل هر فریب و نیرنگی که حکومت در برابر حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به آن متوسل می‌شود، ایشان با اقدامات فرهنگی خود به مقابله و خنثی‌سازی آن پرداخته‌اند. بنابراین خنثی کردن توطئه‌های فریبکارانه حکومت را نیز می‌توان یکی از سیاست‌های فرهنگی حضرت رضا<sup>(ع)</sup> به شمار آورد.

به عنوان نمونه مأمون نامه می‌نویسد و دستور می‌دهد که باید حضرت رضا<sup>(ع)</sup> ولایت عهدی را قبول کنند ایشان از همان لحظه خداحافظی از مدینه، به اهل بیت خود و مردم می‌گویند که من از این سفر باز نخواهم گشت و برای من گریه کنید. حضرت با این کار نشان دادند که به اجبار به مرو می‌روند و مأمون قصد کشتن ایشان را دارد.

همچنین حضرت در جواب مأمون که ابتدا خلافت را به ایشان پیشنهاد می‌کند، می‌فرماید: اگر این خلافت حق تو است و خداوند آن را برای تو قرار داده است، روانیست جامه‌ای را که خداوند بر قامت تو پوشانده بیرون آوری و بر تن دیگری کنی و اگر خلافت از غیر تو است چیزی که از تو نیست چگونه به من می‌بخشی. مأمون گفت: ای پسر رسول خدا برای تو چاره‌ای نیست و باید این کار را بپذیری. حضرت فرمود: این کار را به میل خود هرگز انجام نخواهم داد (بحرانی، ۴۱۱ق، ج ۴: ۴۳۹). مأمون که با این عمل سعی دارد به مردم نشان دهد که حضرت رضا<sup>(ع)</sup> هم به دنبال مقام و قدرت است، در این جا نیز با این جواب حضرت رضا<sup>(ع)</sup> که ماهیتی فرهنگی دارد، نقشه‌اش باطل می‌شود.

علاوه بر این‌ها حضرت رضا<sup>(ع)</sup> با مأمون شرط می‌کنند که در هیچ کاری که مربوط به حکومت است دخالت نداشته باشند و فقط عنوان ولایت عهدی بر روی ایشان باشد که مأمون این شرط را می‌پذیرد و این خود نشان از عدم پذیرش حکومت و خلافت مأمون بود که اقدامی فرهنگی به

حساب مى آيد.

در يك نگاه كلّى اقدامات سياستى حضرت رضا<sup>(ع)</sup> را نيز مى توان به اين صورت نشان داد:



### نتيجه گيرى

آن چه گفته شد مجموعه اقدامات هدفمند امام رضا<sup>(ع)</sup> در جهت پاسخ‌گويى به مسائل فرهنگى در مدت امامت بود که در مجموع سياست‌گذارى فرهنگى ايشان را نشان مى دهد. حضرت رضا<sup>(ع)</sup> نقش بارزى در گسترش فرهنگ شيعى ايفا کردند و از هر فرصتى که توانستند، استفاده و جامعه را در جهت آرمان‌ها و ارزش‌هاى الهى خويش هدايت کردند.

مسائل فرهنگى زمان امامت ايشان که عبارت بود از: در خطر بودن رهبرى شيعى، انحرافات عقيدتى در نهضت ترجمه، ظهور و بروز اديان و فرقه‌هاى گوناگون، شايعات و دروغ پراکنى عليه اهل بيت<sup>(ع)</sup>، تحريف و جعل احاديث و فريب و نيرونگ حکومت که با مجموعه اقدامات سياستى ايشان شامل اعلام صريح و آشکار رهبرى شيعه، تربيت شاگردان نخبه، تشكيل جلسات علمى دينى، مناظرات علمى، سفرهاى تبليغى، احياى سنت نبوى، تبين احاديث صحيح و لعن جاعلان، لعن و تکفير برخى از فرقه‌ها، توسعه همه جانبه علوم، گسترش مذهب تشيع و خنثى کردن توطئه‌هاى فريبکارانه حکومت، پاسخ داده شد.

## منابع و مأخذ

۱. ابراهیم حسن، حسن (۱۴۱۶ق)، تاریخ الاسلام السياسي والديني والثقافي والاجتماعي، قاهره: مكتبة النهضة المصرية.
۲. ابن الطقطقي، محمد بن علي (۱۴۱۸ق)، الفخري في الآداب السلطانية والدول الاسلامية، بيروت: دار القلم العربي.
۳. ابن بابويه، محمد بن علي (شيخ صدوق)، (۱۳۷۸ق)، عيون أخبار الرضا، تهران: نشر جهان.
۴. .... (۱۳۹۸ق)، التوحيد، قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علي (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
۶. ابوزهره، محمد (بی تا)، تاریخ المذاهب الإسلامية، بيروت: دار صادر.
۷. اجلالي، پرویز (۱۳۷۹)، سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
۸. احمدی، حمید (۱۳۸۶)، تاریخ امامان شیعه، تهران: دفتر نشر معارف.
۹. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۱ق)، حلیة الأبرار فی أحوال محمّد وآله الأطهار<sup>(ع)</sup>، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۱۰. اشترینان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه ای بر روش سیاست گذاری فرهنگی، تهران: جامعه شناسان.
۱۱. الوانی، سید مهدی و شریف زاده، فتاح (۱۳۹۳)، فرآیند خط مشی گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۲. امام جمعه زاده، سید جواد و محمود اوغلی، رضا (۱۳۹۳)، «واکاوی مواضع سیاسی امام رضا<sup>(ع)</sup> در بحران های اعتقادی- سیاسی دوره (۲۰۳-۱۸۳ق)»، فصلنامه فرهنگ رضوی، سال دوم، شماره ۵: صص ۷-۳۳.
۱۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق)، الغارات، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۴. جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق)، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار<sup>(ع)</sup>، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه<sup>(ع)</sup>، قم: انصاریان.
۱۶. جمشیدی ها، غلامرضا و زائری، قاسم (۱۳۸۷)، «سیاست گذاری فرهنگی پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>

و تاثیر آن بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی»، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴: صص ۵-۳۸.

۱۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲)، ابعاد و شخصیت و زندگی حضرت امام رضا<sup>(ع)</sup>. سرپرست علمی دکتر احمد پاکتچی، به اهتمام مرتضی سلمان نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>.

۱۸. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد حسن خلیفه نیشابوری، تهران: آگه.

۱۹. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الروات، قم: مدینة العلم.

۲۰. خیری، سمیه (۱۳۹۲)، نهضت‌های علمی و فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> پایان‌نامه سطح دو (کارشناسی)، آمل: مدرسه علمیه حضرت فاطمه الزهرا (س).

۲۱. رفاعی، احمد فرید (۱۳۴۶ق)، عصر المأمون، مصر: دار الکتب المصریه.

۲۲. رفیعی، علی (بی تا)، زندگی ائمه علیهم السلام، تهران: مرکز پژوهش‌های تحقیقات سپاه.

۲۳. زیدان، جرجی (بی تا)، تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت: دار مکتبه الحیاه.

۲۴. سعیدی گراغانی، منصوره (۱۳۹۲)، مدیریت فرهنگی امام رضا<sup>(ع)</sup> (پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ گرایش اسلام)، سیستان و بلوچستان.

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل البيت.

۲۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج، مشهد: مرتضی.

۲۷. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۶ق)، الحیة السیاسیة للإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، قم: جامعه مدرسین.

۲۸. عطاردی، عزیزالله (۱۳۶۷)، راویان امام رضا<sup>(ع)</sup> در مسند الرضا، مشهد: کنگره جهانی امام رضا<sup>(ع)</sup>.

۲۹. .... (۱۴۰۶ق)، مسند الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۰. فاضلی، نعمت‌الله و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی، تهران:

تیسرا.

۳۱. قرشی، باقر شریف (۱۳۸۰)، حیاة الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>، قم: سعید بن جبیر.

۳۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳)، *اختیار معرفة الرجال*، قم: مؤسسه آل البيت<sup>(ع)</sup>.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. گویگان، جیم مک (۱۳۸۸)، *بازاندیشی در سیاست فرهنگی*، ترجمه‌ی نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
۳۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه وفا.
۳۶. کریمی، محمود، دیمه کار، محسن (۱۳۹۲)، *مجموعه تفسیری امام رضا<sup>(ع)</sup>*، مشهد: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا<sup>(ع)</sup>.
۳۷. محبی پور، صغری (۱۳۸۸)، *نقش امام رضا<sup>(ع)</sup> در حدیث شیعه*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۸. مرتضوی، سید محمد (۱۳۷۵)، *نهضت کلامی در عصر امام رضا<sup>(ع)</sup>*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۹. مسعودی، علی بن حسین (بی‌تا)، *التنبیه و الاشراف*، قاهره: دار الصاوی.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۸)، *الارشاد*، ترجمه‌هاشم رسولی محلاتی، بی‌جا: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۴۱. منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۶)، *تاریخ امامت*، تهران: دفتر نشر معارف.
۴۲. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، *فرق شیعه*، بیروت: دار الاضواء.
۴۳. وحید، مجید (۱۳۸۶)، «*بحثی در سیاست‌گذاری فرهنگی*»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۷، شماره ۳: صص ۲۸۷-۳۰۶.